



# نگرانی‌های امام علی (ع) برداشت‌های گوناگون از قرآن

• سید محمد ابراهیم حسینی  
کارشناس سازمان تبلیغات اسلامی

## مقدمه

تبعیت از کتابی که همه‌ی هدایت‌ها در آن است و به آن ختم می‌شود و هرگونه فاصله و جدایی از آن، به انحراف بشر می‌انجامد. کتابی که به فرموده‌ی امام علی (ع) این صفات و ویژگی‌ها را دارد:

«کتاب الله تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به و ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض و لا یختلف فی الله و لا یخالف بصاحبه عن الله» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۳].

ترجمه: این کتاب خداست که به وسیله‌ی آن می‌بینید، می‌گویید و

«قال الله تعالی: ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و یشیر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا» [اسراء/۹].

قرآن، کتاب هدایت و طریق معرفت الهی است و بر همگان لازم است که از آن تبعیت کنند و با ایمان راسخ و به کار بستن دستورات آن، به هدایت واقعی دست یابند، هدایت و تسلیمی فارغ از تخطئه‌ی نفس و شیطان رجیم، تا در فهم و درک معنای قرآن به اشتباه نیفتند و از حقیقت آن دور نگردند.

شنوید. برخی آیات آن، آیات دیگر تفسیر می‌کنند و برخی از آن‌ها به‌خی دیگر شهادت می‌دهند. در تب قرآن هیچ اختلافی در دین خدا وجود نخواهد آمد و قرآن هم‌نشین هم‌دم خود را از خدا و دین خدا جدا نم‌گمراه و منحرف نخواهد ساخت.

اگر چنین اعتقادی نسبت به قرآن انسان حاکم باشد، هیچ‌گاه در مسیر ناخت آن به بی‌راهه کشیده شود. و به سمت اختلاف‌انگیزی نمی‌آورد. از هرگونه پیشداوری امون آیات آن تحت عنوان شبه‌های نوین یا برداشت‌ها و نت‌های مختلف از قرآن، یا تبعیت خنین منحرفان و فتنه‌انگیزانی، سون و در امان می‌ماند. بر این س، امام علی (ع) در خطبه‌ای بعد نبر دادن از احوال قیامت و تأثیر ال دنیا بر آخرت انسان، همه را به ی از قرآن و هدایت‌یابی از آن به ان برترین راه سعادت و نجات

دعوت می‌کند و می‌فرماید: افکونوا من حرثه و اتباعه و لوه علی ریکم و استنصحوه علی سکم و اهتموا علیه آرائکم و شوا فیه اهوائکم» [نهج البلاغه، ی: ۱۷۵].

رجمه: همواره از کشت‌کنندگان زان قرآن باشید و آن را دلیل و گواه ردگار خود قرار دهید (یعنی خدا کلامش در قرآن بشناسید). قرآن عنوان ناصح امین و دل‌سوز و آگاه برگزینید و آن‌گاه که در مقام فهم یر قرآن برمی‌آید، پیشداوری‌ها نمون آن تخطئه کنید و آرای ی بر گرفته از هوای نفس را

درباره‌ی آن کنار بگذارید.

و این مسأله، یعنی همان پیشداوری‌ها پیرامون تفسیر قرآن، آن هم بر اساس هواهای نفسانی، مسأله‌ای است که امام علی (ع) بارها نسبت به آن ابراز نگرانی کرده و در خطبه‌های گوناگون به صراحت نسبت به این فتنه به مسلمانان هشدار داده، و به ارائه‌ی راهکارها در جهت دور ماندن اذهان از این انحرافات پرداخته است. این مقاله بر آن است که به بررسی و انعکاس گوشه‌ای از این نگرانی‌ها و پیشگویی‌ها و راهکارهای پیشگیرانه از این فتنه‌ی برخاسته در عصر و زمان کنونی - که به قرائن مذکور آخر الزمان است - که در آن اندیشه‌های مسموم و انحرافی با سلاح واژه‌های دینی، حتی از متن قرآن، تحت عنوان قرائت‌ها و برداشت‌های مختلف، ملاک تصمیم‌گیری مردم می‌شود، پردازد.

تاکنون این‌گونه بوده است که دو نوع برداشت از قرآن، یکی مبتنی بر روحیه‌ی تسلیم، و دیگری متأثر از خواسته‌های نفسانی، در میان مسلمانان رواج داشته است و مسلمانان خواسته یا ناخواسته، به سراغ تفاسیر قرآن بر اساس یکی از این دو مبنا می‌رفتند. در این میان، مسلمانان واقعی بر مبنای روحیه‌ی تسلیم، تنها بر اساس علم و مبتنی بر حالت تسلیم نسبت به صاحبان اصلی علم و عالمان بر حق اسرار و مفسر قرآن، یعنی اهل بیت (ع)، به آن روی آوردند و گروهی غالباً بر اساس جهل و یا دشمنی با دین و قرآن، صرفاً بر پایه‌ی علوم مادی و برداشت‌های

تفسیر و قرائت‌های مختلف، با قطع نظر از سبب‌های علوم ازلی (ع) که متن اصلی فیض هستند، وارد سبب‌های تفسیر آیات قرآن شدند. البته این است که پیشداوری‌های نفسانی تفسیر قرآن، دیگر ضمانتی برای و صحیح از آن باقی نخواهد ماند. و هم به طور طبیعی، زمینه برای سوء برداشت و انحراف از حق آیات گسترش خواهد یافت. و این همان چیزی است که امام علی (ع) نسبت به وقوع آن در آخر الزمان، هشدار می‌دهد و پیرامون آن به درگاه خدا شکوه می‌برد و می‌فرماید: «الی الله اشکو من معشر یبعثون جهالاً و یموتون ضلالاً و لیس فیهم سلعة ابور من الکتاب إذا اتلی حق تلاوته لاسلعة انفق بیعاً و لا اعلی ثمناً من الکتاب اذا حُرّف عن مواضعه» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷].

ترجمه: از جمعیتی که در آخر الزمان در جهالت زندگی خواهند کرد و در ضلالت به سر خواهند برد، نزد خدا شکوه می‌برم؛ جمعیتی که اگر قرآن بین آن‌ها به حق تفسیر شود، کم‌ترین و بی‌مشتتری‌ترین متاع خواهد بود، اما اگر تفسیر به رأی شود و از مواضع واقعی خود تحریف گردد، از گران‌بهاترین اشیا خواهد شد.

با توجه به پیش‌بینی‌های امام علی (ع) در مورد وقوع چنین فتنه‌هایی، امروزه شاهدیم که قرائت‌های مختلف از دین، با برداشت‌های ناصواب از متن قرآن، توسط افراد مختلف با سلیقه‌های مختلف پدید می‌کند. چنان‌که در

سایت‌ها، کتاب‌ها و مقالات گوناگون، مطالبی پراکنده تخت عنوان آزادی بیان و اندیشه‌ها و برداشت‌های جدید از متن دین، در جهت انحراف اذهان مردم، بسیار به چشم می‌خورد. در این میان، نااهلان از آیات قرآن بهره‌های ناصواب بسیاری در جهت القای دیدگاه‌ها و اغراض شخصی خود و نیز گمراه کردن مسلمانان برده‌اند. به عنوان نمونه، ببینید که در این چند سال چه قدر از آیه‌ی «لا اکراه فی الدین» و مانند آن، تعابیر و تفاسیر مختلف و از آیات احکام و حجاب، چه برداشت‌های غرض‌آلودی شده است؟!

این حربه در صدر اسلام هم توسط خوارج و اهل جدک برای به کرسی نشاندن دیدگاه‌های پوچ و بی‌محتوایشان، دنبال می‌شد؛ چنان‌که آن‌ها را به رویارویی با مفسر کبیر قرآن و حافظ اسرار نزول وحی، امام علی (ع)، کشانید و با قرآن بر سر نیزه کردن، دل او را خون و یارانش را به شکست ظاهری واداشتند. و این نگرانی به حدی بود که حضرت خطاب به ابن عباس، آن‌گاه که او را برای احتجاج به نزد خوارج فرستاد، چنین مرقوم فرمود: «لاتخاصمهم بالقرآن فان القرآن حمال ذووجه تقول ویقولون ولكن حاججهم بالسنة فانهم لن يجدوا عنها محیصاً» [نهج البلاغه، نامه‌ی ۷۷].

ترجمه: با ایشان به قرآن مناظره مکن؛ زیرا قرآن احتمالات و توجیهاات بسیار از تأویل و تفسیر و مراد باطنی و ظاهری دربردارد. یکی از آن‌ها را تو می‌گویی و دیگری را

ایشان می‌گویند؛ پس مباحثه دراز می‌شود. بلکه با آنان به سنت (فرمایش‌های پیغمبر اکرم) سخن بگو و دلیل بیاور، زیرا آن‌ها هرگز از استدلال سنت گریزگاهی نمی‌یابند و چاره‌ای جز پذیرش راستی این گفتار ندارند. حضرت در این نامه از ابن عباس خواست که با خوارج، از سنت پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) سخن بگوید تا آن‌ها حجتی راسخ‌تر و روشن‌تر از آن نیابند. آن وقت است که مطمئناً به راه روشن هدایت نیز دست خواهند یافت. چراکه قرآن دارای وجوه و ابعاد متفاوت و نیز از تشابهات و محکمات برخوردار است و همین دو وجوه بودن قرآن باعث می‌شود که نااهلان و مغرضان، بدون توجه به شأن نزول و تفسیر و تعبیر آیات، پا در حریم آن بگذارند و به بهره‌برداری از آیات قرآن، بر اساس اغراض و دیدگاه‌های نفسانی خود پردازند. علاوه بر این، به دلیل عدم آگاهی و شناخت برخی از مسلمانان نسبت به کنه معنای آیات، از تشابهات بهره می‌برند. قرآن کریم چه زیبا به بیان این مسأله و نگرانی شدید از احتمال سوءاستفاده‌ی فتنه‌گران از تشابهات قرآن می‌پردازد و می‌فرماید: «هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر تشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویله و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون امانا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب»

**نااهلان از آیات  
قرآن بهره‌های  
ناصواب بسیاری در  
جهت القای  
دیدگاه‌ها و اغراض  
شخصی خود و گمراه  
کردن مسلمانان  
برده‌اند**

۱۲۷۶

حه: اوست خدایی که قرآن را تو فرستاد که برخی از آن آیات محکم است که آن‌ها مرجع سایر آیات خواهد بود، دیگر آیاتی متشابه است (که به درک معنی از آن نشود) تا هایی که در دلشان میل به باطل از پی متشابه رفته تا به تاویل ن، شبیه و فتنه‌گری پدید در صورتی که تاویل آن را جز ی داند و اهل دانش گویند، ما ی آن کتاب گرویدیم که همه ی محکم و متشابه آن) از جانب ه و به این دانش راه نبرند جز ان (الهی قمشه ای).

ها با مهارتی که در نحوه ی بیان رسایی به خرج می دهند و از ای علمی که به انزوای شیطانی ه شده اند، بهره می برند، ند به راحتی به گمراه سازی ان عوام خود پردازند و با امتزاج باطل، قدرت شناخت و س و تمییز حق از باطل را از سانان حداقل از گروه عوام و ش - به متون غنی و اصیل دینی ست معنای قرآن، بگیرند. امام (ع) در این باره مخصوصاً ابراز کرده و فرموده است: «فلو ظل خالص من مزاج الحق لم علی المرتادین و لو ان الحق من لبس الباطل انقطعت نه السن المعاندين و لكن يؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فيمزجان فهناك يستولي الشيطان على اوليائه و ينجوا الذين

سبقتم لهم من الله الحسنی» [نهج البلاغه، خطبه ی ۵۰]. ترجمه: آنچه سبب فساد و فتنه می شود، پیروی از خواهش های نفسانی است و احکامی که بر خلاف شرع صادر می گردد. کتاب خدا با آن خواهش ها و حکم ها مخالف است. همچنین از اسباب فتنه و فساد آن است که کسی از مردم از خواهش ها و حکم های پروردگار بپسندد می کند چون حق را در هم می آمیزد فتنه و فساد ظاهر می شود. پس باطل با حق نمی شود راه حق بر آن ها پوشیده نمی گردید و اگر حق در باطل پنهان نمی بود، دشمنان هرگز نمی توانستند از آن بدگویی کنند. ولیکن چون قسمتی از حق را قسمتی از باطل فراگرفته، شیطان بر دوستان خود سلطه می یابد، برای اضلال و گمراهی فرصت به دست می آورد و باطل را حق جلوه می دهد. و کسانی که لطف خدا شامل حالشان گردیده است، از اضلال و گمراهی شیطان نجات می یابند و از آمیزش حق به باطل در شبهه نمی افتند. امام علی (ع) کسانی را که در صدد تحریف حقایق دین و محاجه با آیات قرآن و تصرف در مفاهیم بلند و آسمانی آن برآمده و با جادوی سخن و قدرت شیطانی خود، به گمراهی مردم و انحراف نسل ها پرداخته اند، جاهلان عالم نما و فرزند ضلالت خوانده است و می فرماید: «و آخر قد تسمى عالماً و لبس به فاقتبس جهائل من جهال و اضلال من ضلال و نصب للناس اشراكاً من جهائل غرور و قول زور قد حمل الكتاب علی آرائه و عطف الحق علی

ترجمه: از میان بندگان، کسی است که خود را دانشمند نامد، در صورتی که از دانش بهره ای ندارد. پس از نادانان نادانی ها و از گمراهان گمراهی ها را فرا گرفته و بر سر راه مردم راه های گریب گسترده سخنان باطل گویند کتاب را به رای خود تفسیر کند و حقیقت را با تفسیر هوای خویش به آیه ها و آن سوره متمایل سازد.

کلف با حق است؟ از تبعیت پروردگار در قرآن لحظه ای درنگ و عفت نسیم در حق تو در گشته ها، ذراتی از حریم قرآن فاصلت بگیریم و در این بحبوحه ی بیلا آبدیده و مستحکم تر شویم. امام علی (ع) از چنین راسخیت و استواری تقدیر می کند و از چنین گروهی به عنوان الگو و نماد حرکت جامعه در کنار قرآن نام می برد می فرماید: «ثم ليشحذن فيها قوم شحذ اليقين النصل تجلی بالتنزيل ابصارهم ويرمي بالتفسير في مسامعهم و يغبقون كأس الحكمة بعد الصبوح» [نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵۰].

ترجمه: پس گروهی در آن فتنه ها (در آخر الزمان) صیقلی می شوند، مانند صیقل دادن آهنگر شمشیر را. دیدگان شان با نور قرآن جلا می یابد و در گوش هایشان، تفسیر حق طنین می افکند و شامگاهان در پی بامدادان، جام های حکمت را سر می کشند.

مؤمن متابع قرآن، هیچ گاه در بحران جهل و گمراهی خود را نمی یازد و بر اساس همان روح

۱۲۷۷

متابعت از قرآن، به دنبال درک تفسیر حقیقی آن از صاحبان علم و عالمان حقیقی، به اقتباس از سرچشمه های علوم اهل بیت می رود تا اندیشه های کاذب و تفسیرهای برگرفته از هواها، او را به انحراف نکشاند. بنابراین، وظیفه ی اہم هر مسلمان، آن هم در آخر الزمان، این است که به دنبال علوم حقیقی و تفسیر واقعی قرآن بگردد و از مفاهیم بلند و اندیشه های ناب و زلال آن، به کمک علمایی که معصومین و متابع و واسطه ی علوم اهل بیت هستند، بهره مند و سیراب شود؛ چنان که امام علی (ع) در این باره تأکید و اصرار می ورزد:

فاین تذهیون و آتی توفکون و الاعلام قائمة و الآیات واضحة والمنار منصوبه فاین تیاہ بکم و کیف تعمهون. [نهج البلاغه، خطبه ی ۸۶].

ترجمه: بعد از روشن شدن حق و باطل و شناختن طرفداران هر یک، و در حالی که پرچم های حق برپاست و نشانه های آن آشکار و هویدا است، به کجای می روید؟ چرا در حالی که صراط مستقیم هدایت و عترت پیامبر در میان شماست و می توانید از انوار هدایت ائمه هدایت شوید، خود را از علوم اهل بیت محروم کرده اید و حیران و سرگردانید؟

۲. نسبت به شناخت منحرفان و شناساندن آن ها به یکدیگر بکوشیم تا راه ضلال از هدایت را بیابیم. این مسأله در زمان کنونی از حساسیت و اهلیت والایی برخوردار است؛ چنان که امام علی (ع) در گوشه ای از همان نگرانی ها خطاب به مسلمانان می فرماید که در کنار دریافت علم تفسیر و شناخت مفاهیم بلند قرآن از

اهل قرآن، به شناخت افکار انحرافی و نقشه های کج اندیشان خودرأی در تفسیر قرآن، و شناساندن آن ها به دیگران نیز بکوشند؛ چنان که فرمود: **واعلموا انکم لن تعرفوا الرشذ حتی تعرفوا الذی ترکہ و لن تأخذوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نقضه و لن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی نبذہ فالتمسوا ذلک من عند اهلہ فانہم عیش المسلم و موت الجہل** [نهج البلاغه/ ۱۴۷].

ترجمه: بدانید که شما هرگز راه هدایت را نخواهید یافت، مگر آن که مخالفان طریق، یعنی کسانی را که راه هدایت الهی را رها کرده اند، بشناسید. و هرگز به پیمان الهی که همان قرآن است، پایبند نمی شوید، مگر آن که پیمان شکنان این طریق را به خوبی بشناسید و هرگز از متمسکان به جبل المتین نخواهید بود، مگر آن که کسانی را که قرآن را کنار گذاشته اند، بشناسید. بنابراین باید تفسیر قرآن را از اهلش، یعنی اهل بیت (ع) فرابگیرید؛ زیرا آن ها نور قرآن هستند و می توانند علوم قرآن را زنده نگه دارند و جهل و نادانی و کج اندیشی را بمیرانند.

۳. از تبعیت هوای نفس در تفسیر قرآن و پذیرش تفاسیر برگرفته از هواهای نفسانی پرهیز کنیم؛ چرا که همه ی فتنه های عالم از هوای نفس نشأت می گیرند. چنان که در ابتدای مقاله گفته شد، تفسیر قرآن در طول تاریخ یا بر اساس تبعیت از نفس بوده و یا فرمانبرداری بر مبنای پیروی از عقل و اندیشه و علم رهروان طریق، یعنی ائمه ی اطهار (ع) که واسطه های فیض و علوم و اسرار الهی هستند، و نیز

رهروان طریق، یعنی علمای وارسته. در این مقال، تحت عنوان نتیجه ی بحث باید گفته شود که هرگونه تفسیر و برداشت از متن قرآن، تنها بر اساس مبنای اخیر، یعنی همان بهره برداری از خزائن علوم اهل بیت صحیح و قابل تبعیت است که همین مبنا در طول تاریخ، ضامن بقای قرآن و حفظ و انتشار مفهوم والای آن بوده است. حال تشخیص مرز و مدار نفسانی بودن برداشت از قرآن، و یا صحیح بودن آن بر اساس گفتار ائمه (ع)، به عهدی جوینده ی طریق است که آن را با متون روایی اهل بیت (ع) و تفاسیر برتر شیعی بسنجد، و آن گاه به تبعیت از آن بپردازد. به فرموده ی خود اهل بیت (ع)، هر نوع گفتاری که با مکتب، اندیشه و نوشتار آن ها سنخیت ندارد، نقش بود بر دیوار (فاضریوه علی الجدار).

اصل فتنه از این جا شروع می شود که بدون شناخت و تطبیق متون، به سراغ هر نوع برداشت و گفتار و نوشتاری پیرامون آیات قرآن تحت عنوان برداشت ها یا قرائت های مختلف از دین و قرآن، برویم و از مبادی فتنه، یعنی همان نفس تبعیت کنیم؛ چنان که امام علی (ع)، همین مسأله را به عنوان مبنای فتنه و کج فهمی و انحراف در جامعه معرفی می کند و می فرماید: «إنما بدء وقوع الفتن اہواء تبع و احکام تبتدع». [نهج البلاغه، خطبه ی ۵۰].

ترجمه: آنچه از نظر روحی زمینه ی چنین انحرافی را در انسان فراهم می کند و ریشه ی فتنه شناخته می شود، عبارت است از هواهای

۱۲۵۸

انی.

پس از تفسیر قرآن، باید به نصیح از اهل بیت (ع) دست یافت و سورت نیافتن نص، باید گفته‌ها و نه‌ها را با اندیشه و مکتب اهل (ع) سنجید تا به اصل و حقیقت سنای قرآن دست یافت و از تارهای انحرافی تبری جست و از غیر حق میرا گشت؛ چراکه اهل سرچشمه‌های علوم و معارف وحی و مکمل قرآن و مفسر برحق آن هستند، چنان‌که امام علی (ع) سرازای از خطبه، در جهت ساندن ائمه به عنوان اولیاء الله فرماید: «ان اولیاء الله هم الذین... عِلْمُ الْکِتَابِ وَ بِهِ عِلْمُوا وَ بِهِ قَامَ الْبَابُ وَ بِهِ قَامُوا...» [نهج البلاغه، ست ۴۳۲].

ترجمه: دوستان خدا و اهل بیت، نی هستند که قرآن به کمک آن‌ها نده می‌شود و آن‌ها نیز به یاری قرآن حته می‌شوند و قرآن به کمک آن‌ها ست؛ همان‌گونه که آن‌ها به کمک در همه‌ی زمان‌ها و در همه‌ی پابر جانند.

بر این اساس، یکی از اقدامات و اولی‌ی امام زمان (عج) بعد از ز آن حضرت، اصلاح و هدایت‌ها و اندیشه‌های منحرف مردم از قرآن به اصل و حقیقت آن خواهد چنان‌که امام علی (ع) درباره‌ی ف‌های والای ظهور اسام (عج) می‌فرماید: «... یعطف علی الهدی اذا عطفوا الهدی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن طفوا القرآن علی الرأی...» [نبلاغه، خطبه‌ی ۱۳۸].

جمه: ... آن حضرت، مردم را

که از مسیر نورانی انبیا منحرف شده و از هوی پیروی کرده‌اند، به سوی اهل بیت برمی‌گرداند و آرا و نظریات مخالف قرآن رایج مسوی قرآن برمی‌گرداند؛ آن هنگام که مردم قرآن را به آرا و نظریات خود تعیین می‌کنند... نتیجه

«وانه سیاتی علیکم من بعضی زمان لیس فیہ شیء اخفی من الحق و لا اظهر من الباطل و لا احشر من کلام علی الله و رسوله و لیس عند اهل ذلك الزمان سلعة ابور من الکتاب اذا تلی حق تلاوته و لا انفق منه اذا حرف عن مواضعه و لا فی البلاد شیء انکر من المعروف و لا اعرف من المنکر فقد نبذ الکتاب حملته و تناساه حفظته فالکتاب یومئذ و اهله طریدان منصفیان و صاحبان مصطحیان فی طریق واحد لا یؤویهما مؤو فالکتاب و اهله فی ذلك الزمان فی الناس و لیسافیهم معهم و لیسامعهم لان الضلاله لا توافق الهدی و ان اجتماعا جمع القوم علی الفرقة و افترقوا علی الجماعة کانهم ائمة الکتاب و لیس الکتاب امامهم» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۴۷].

ترجمه: زود است که بعد از من بر شمار روزگاری بیاید که چیزی در آن پنهان‌تر از حق و درستی، و آشکارتر از باطل و نادرستی و بیش‌تر از دروغ‌پستن بر خدا و رسول نباشد. و نزد مردم آن زمان، کالایی بی‌قدرتر از قرآن که از روی حق و راستی خوانده شود (به جهت تأویل و تفسیر)، نیست، و رایج‌تر از آن، هرگاه در معانی آن تحریف و تغییر دهند (از روی هوای نفس با اغراض

باطله تطبیق دهند).

و در شهرها، چیزی زشت‌تر از کار شایسته و زیباتر از کار بد نیست. پس حاملان قرآن (کسانی که با آن آشنایی دارند) نسبت به آن بی‌اعتنا هستند و حافظانش در موقع عمل آن را از یاد می‌برند. قرآن و اهل آن، یعنی ائمه‌ی هدی، در آن روز دور ساخته شده‌اند و در دسترس نیستند. مردم در گرایش به باطل و دوری از حق، خود را می‌کنند و این مردم به هم می‌کنند؛ یعنی به دست قرآن عمل نمی‌کنند. و کسی در آن روزگار آن و اهلس را احترام نکند و نزد خود نگه ندارد؛ چون با هوای نفس ایشان سازگار نیستند. پس قرآن و اهل قرآن، اگرچه به ظاهر در میان مردم هستند، اما در حقیقت، ایشان نیستند، زیرا ضلالت و گمراهی با هدایت و رستگاری مطابقت ندارد؛ اگرچه در یک جا با هم گرد آیند. پس آن مردم گمراه دست به دست هم می‌دهند بر جدایی از قرآن، و پراکنده می‌شوند از جماعت پیروان، و این مانند آنست که ایشان پیشوایان قرآن هستند، زیرا طبق اغراض باطل و اندیشه‌های نادرست قرآن را تفسیر می‌کنند؛ در حالی که قرآن پیشوای آن‌ها نیست!

۱. در این باره، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «اذا التبت علیکم الفتن کقطع النیل المظلم فعلیکم بالقرآن»

۱۲۵۹